



دعاهنگام اعتراف به ناتوانی از شکرگزاری

[[

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اعْتَرَفَ بِالتَّقْصِيرِ عَنْ تَأْدِيَةِ الشُّكْرِ

از دعاهای امام علیه السلام است هنگامیکه به ناتوانی از بجا آوردن شکر و سپاس اقرار می نمود

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا

بار خدایا، کس هنوز سپاس نعمت را چنان که باید به جای نیاورده که نعمت دیگرش ارزانی داری و شکر
دیگرش واجب گردانی

وَلَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَإِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقْصِرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ

بار خدایا، بنده تو، هر چه در طاعت تو کوشد به جایی نرسد و از طاعت تو، آن سان که در خور فضل توست،
قاصر آید

فَأَشْكُرُ عِبَادَتِكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ وَأَعْبُدُ هُمْ مُقْصِرٌ عَنْ طَاعَتِكَ

بار خدایا، شکر گزارترین بندگان تو از سپاس تو عاجزاند و عبادت کننده ترین عابدان تو در عبادت خویش قاصر



لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَعْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ وَلَا أَنْ تَرْضَى عَنْهُ بِاسْتِجَابِهِ

هیچ کس مستحق آن نیست که تو اش بیامرزی و آمرزش تو به پاس شایستگی او باشد، و هیچ کس مستحق آن نیست که تو از او خشنود باشی و بحق سزاوار این خشنودی تو بود

فَمَنْ غَفَرْتَ لَهُ فِطْوَالِكَ وَمَنْ رَضِيتَ عَنْهُ فِفَضْلِكَ

پس هر که را آمرزیده‌ای از انعام توست و از هر که خشنود گشته‌ای از فضل و احسان تو

تَشْكُرُ لِسِرِّ مَا شَكَرْتَهُ وَتُثِيبُ عَلَى قَلِيلٍ مَا تُطَاعُ فِيهِ حَتَّىٰ كَأَنَّ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِي أُوجِبْتَ عَلَيْهِ
ثَوَابَهُمْ

بار خدایا، در برابر اندک سپاسی جزای فراوان دهی و در برابر اندک طاعتی ثواب بسیار، چنان که گویی
شکرگزاری بندگانت - با آنکه در برابر آن برایشان ثوابی مقرر داشته‌ای

وَأَعْظَمْتَ عَنْهُ جَزَاءَهُمْ أَمْرُ مَلَكَو السِّتَاعَةِ الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَأَيْتَهُمْ أَوْلَمَ يَكُنْ سَبَبُهُ
بِيَدِكَ فَجَازَيْتَهُمْ

و اجری عظیم داده‌ای - چیزی است که آنان را در برابر تو یارای سر بر تافتن از آن بوده است که پاداششان
می‌دهی، یا آنکه خود سبب آن نبوده‌ای که اکنون جز ایشان عطا می فرمایی



بَلْ مَلَكَتْ - يَا إِلَهِي - أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَمْلِكُوا عِبَادَتَكَ وَأَعَدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ

نه چنین است - ای خداوند من - که زمام کار بندگان تو به دست تو بوده پیش از آنکه توان عبادتشان باشد و ثواب ایشان را مهیا کرده‌ای پیش از آنکه به اطاعتت روی آرند.

وَذَلِكَ أَنَّ سُنَّتَكَ الْإِفْضَالَ وَعَادَتَكَ الْإِحْسَانَ وَسَبِيلَكَ الْعَفْوَ

زیرا شیوه تو بخشندگی است و خوی تو نیکوکاری است و راه و آیین تو بخشایندگی

فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُعْتَرِفَةٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ وَشَاهِدَةٌ بِأَنَّكَ مُتَفَضِّلٌ عَلَى مَنْ عَافَيْتَ وَكُلُّ مُقَرَّرٌ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ

بار خدایا، همه آفریدگان معترفند که هر که را عقوبت کنی بر او ستم نکرده‌ای و همگان بر این گواهند که هر که را از عذاب رهایی بخشی در حق او احسان کرده‌ای و همه اقرار می‌کنند که حق عبادت و شکر تو را آن چنان که در خور آن هستی به جای نیاورده‌اند



فَلَوْلَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَحْتَدِ عُهُمُ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصٍ وَلَوْلَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ
مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ

بار خدایا، اگر آدمیان را شیطان نفریفته و از طاعت تو باز نداشته بود، هیچ گنهکاری جامه جان به گناه نمی آلود
و اگر باطل را در چهره حق جلوه نمی داد، هیچ گمگشته ای راه تو گم نمی کرد

فَسُبْحَانَكَ مَا أَبْتِنَ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلَةٍ مِنْ أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ تَشْكُرُ لِلْمُطِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ وَتُمْلِي
لِلْعَاصِي فِيمَا تَمْلِكُ مُعَاجَلَتَهُ فِيهِ

خداوندا، منزهی تو. وه که چه آشکار است نشان کرم تو در معامله با آن که اطاعتت کند یا معصیت
ورزد: فرمانبردار را پاداش نیکو می دهی و حال آنکه تو خود توان فرمانبرداری اش داده ای و کیفر گناهکار را با آنکه
در مواخذهت قدرت داری به تأخیر می افکنی

أَعْطَيْتَ كُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ يَجِبْ لَهُ وَتَفَضَّلْتَ عَلَى كُلِّ مِنْهُمَا بِمَا يَقْصُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ

هر دو را چیزی عنایت می کنی که نه سزاوار آن بوده اند و اعمالشان از احسانی که در حقشان روا می داری قاصر
است



وَلَوْ كَفَأَتِ الْمَطِيعَ عَلَى مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَأَوْشَكَ أَنْ يَفْقَدَ ثَوَابَكَ وَأَنْ تَزُولَ عَنْهُ نِعْمَتُكَ

بار خدایا، اگر آن را که فرمانبردار توست، به مقتضای عملش - که تو خود بر آنش گماشته‌ای - پاداش می‌دادی، بیم آن بود که ثواب تو از دست بدهد و نعمتی که عنایتش داشته‌ای زایل گردد

وَلَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَائِيَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْحَالِدَةِ وَعَلَى الْغَايَةِ الْقُرْبِيَّةِ
الزَّائِلَةِ بِالْغَايَةِ الْمُدِيدَةِ الْبَاقِيَةِ

ولی تو به کرم خود، در برابر اندک زمانی عبادت در این دنیای فانی، پاداشی طولانی و جاویدان می‌دهی و در برابر اعمالی زود گذر ثوابی بی‌پایان و بی‌زوال عطا می‌فرمایی

ثُمَّ لَمْ تَسْمَهُ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَلَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى
الْمُنَاقَشَاتِ فِي الْأَلَاتِ الَّتِي تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَى مَغْفِرَتِكَ

فراتر از این، از بنده خود که از روزی تو خورده است و هم بدان توان طاعتش بود عوض مطالبه نکرده‌ای. برای رسیدن به آمرزش تو ابزاری به کار داشته که تو برسر آن بر او تنگ نگرفته‌ای



وَلَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ وَجُمْلَةَ مَا سَعَى فِيهِ جَزَاءً لِلصُّغْرَى مِنْ أَيْدِيكَ وَمِنْكَ
وَلَبَقِيَ رَهِينًا بَيْنَ يَدَيْكَ بِسَائِرِ نِعَمِكَ

بار خدایا، اگر نه چنین کرده بودی، بنده تو همه آنچه را به رنج فراهم کرده و به کوشش فرا چنگ آورده بود در برابر کمترین انعام و احسانت از دست می‌داد و خود در گرو دیگر نعمتهایت در نزد تو باقی می‌ماند

فَمَتَى كَانَ يُسْتَحَقُّ شَيْئًا مِنْ ثَوَابِكَ لِأَمْتِي هَذَا - يَا إِلَهِي - حَالُ مَنْ أَطَاعَكَ وَسَيِلُ مَنْ تَعَبَدَ لَكَ

پس در این حال چه وقت مستحق چیزی از ثواب تو می‌بود؟ هیچ گاه ای خدای من، این حال کسی است که تو را فرمان برده باشد و راه کسی است که تو را عبادت کرده باشد.

فَأَمَّا الْعَاصِي أَمْرِكَ وَالْمُؤَاقِعُ نَهْيِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنِقْمَتِكَ لِكَيْ يُسْتَبَدَلَ بِحَالِهِ فِي مَعْصِيَتِكَ حَالُ
الْإِنَابَةِ إِلَى طَاعَتِكَ

اما در کیفر آن کس که در امر تو عصیان ورزیده و مرتکب مناهی شده، تعجیل نکردی، باشد که از معصیت تو دست بردارد و به طاعت تو باز گردد،

وَلَقَدْ كَانَ يُسْتَحَقُّ فِي أَوَّلِ مَا هُمْ بِعِصْيَانِكَ كُلِّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِيعِ خَلْقِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ

حال آنکه در همان نخستین گناه مستحق همه عقوبتهایی بود که برای همه آفریدگانت مهیا داشته‌ای



فَجَمِيعُ مَا أُخْرِتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَأَبْطَأَتْ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقْمَةِ وَالْعِقَابِ تَرَكُّ مِنْ حَقِّكَ وَ

رَضِي بِدُونِ وَاجِبِكَ

بار خدایا، اگر کیفر گناهان را به تأخیر افکنده‌ای و در خشم و انتقام و عقاب درنگ کرده‌ای چشم پوشی توست از حق تو، و خشنودی توست، بی آنکه چنین خشنودی بر تو لازم آمده باشد

فَمَنْ أَرَمُ - يَا إِلَهِي - مِنْكَ وَمَنْ أَشَقَى مِمَّنْ هَلَكَ عَلَيْكَ لَأَمِنْ فِتْنَارَكَ أَنْ تُوصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ

پس ای خداوند، چه کسی از تو کریم‌تر است؟ چه کسی شقی‌تر است از آن شوربخت که پای در راه خلاف رضای تو نهد و خود را به هلاکت رساند. نه، هیچ کس. بار خدایا، تو فراتر از آن هستی که جز به احسانت وصف کنند

وَكَرُمْتَ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ لَا يُنْشَى جَوْرَكَ عَلَى مَنْ عَصَاكَ وَلَا يُخَافُ إِغْفَالَكَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاكَ

و کریم‌تر از آن هستی که جز به سبب دادگری، از تو بیمناک شوند. از جور تو بر کسی که عصیان می‌کند حیفی نیست و کسی که به راه رضای تو می‌رود از آن بیم ندارد که در پاداش او غفلت ورزی



فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ لِي أَمَلِي وَزِدْنِي مِنْ هُدَاكَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي إِنَّكَ
مَنَّانٌ كَرِيمٌ

پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و آنچه مرا آرزوست بر من ارزانی دار و بر هدایت من بیفزای تا توفیق
عملم نصیب گردد. انک منان کریم